

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۳، ش ۲ (پیاپی ۳۰)، تابستان ۱۴۰۱

صص: ۱۱۹-۱۳۶

شاپا: ۲۲۵۱-۸۴۵۷

چشم‌انداز شعر معاصر ایران به توسعه اجتماعی

کبری مژده جویباری

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جویبار، جویبار، ایران

عیسی چراتی

دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

جویبار، جویبار، ایران

چکیده

این مقاله، حاصل پژوهشی است که در پی پاسخ به این پرسش است که آیا شاعران معاصر و حاضر در عرصه ورود مدرنیته به ایران، توجهی به توسعه و گذر از سنت داشته‌اند؟ و اگر این‌گونه بوده چه مفاهیمی را مدنظر داشته‌اند؟ در این بین با بررسی آثاری از پنج شاعر (نیما یوشیج، محمدتقی بهار، احمد شاملو، سهراب سپهری و فروغ فرخزاد) که در بازه زمانی ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰ خورشیدی آثارشان را ارائه داده‌اند، در پی پاسخ به این پرسش با شیوه تحلیل محتوی پرداختیم که در نهایت با شمارش مقولات مفهومی سنتی و عناصر و پیش‌نیازهای مدرنیته و توسعه، مشخص شد در میانگین تعداد دفعات استفاده از انواع مفاهیم سنتی و مدرن از توسعه طبق یافته‌های پژوهش بیش‌ترین مقولات مطرح شده و نیز در میانگین تعداد دفعات تکرار استفاده از مفاهیم نزد شاعران مربوط به عناصر مرتبط با توسعه فرهنگی بوده است و حرکت رو به تغییر در شعر معاصر را می‌توان حرکتی آگاهانه دانست. این وضع غالب در آثار شاعران مورد بررسی نشان‌دهنده بینش و درک مسئله توسعه در ایران آن سال‌ها را به خوبی باز نمود می‌نماید.

واژگان کلیدی: ادبیات، توسعه، سنت، تحلیل محتوی.

۱- مقدمه

ادبیات که به مثابه‌ی زبان یک جمع عمل می‌کند، نقش خود را از ورای تاروپود سبک‌ها و تکنیک‌های نویسندگی متجلی می‌کند. این‌که تارو پود آثار ادبی متعهد و متعلق به چه اندیشه‌ای است مستلزم شناخت عصری دارد که نقش ادبی از آن برآمده است. معمولاً نویسندگان تحت تأثیر مخاطب و محیط اثرش را خلق می‌کند. محیط می‌تواند مشتمل بر محیط طبیعی و انسانی باشد اعم از سیل و طوفان تا نهاد حکومت و آموزش و مخاطب می‌تواند از نظر نویسندگان بر حسب سن، جنس، طبقه، قشر، تحصیلات و... شناسایی شود.

اثر خلق شده رابطه‌ای دیالکتیکی ایجاد می‌کند و به گونه‌ای بازنمایی شده مجدداً بر مخاطب و محیط اثر می‌گذارد. این تأثیر بر اولی مستقیم و بی‌واسطه و در دومی غیرمستقیم و به واسطه مخاطب است همچنان‌که مخاطب و محیط نیز به واسطه‌ی سراینده بر اثر تولید شده مؤثرند. محیط (در تمامی معانی خود) که بر شاعر و به تبع آن بر اثر تولید شده‌ی او اثرگذار بود خود تحت تأثیر اثر و به واسطه مخاطبان (دیگران) قرار می‌گیرد.

اگر بپذیریم که هنرمند فرزند زمانه‌ی خویش است. باید هنر او نیز آیین‌های تمام نمای وقایعی باشد که مردمش را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اگر جامعه در بستر بی‌خبری در گذرگاه تاراج گذر زمان است، شایسته است که هنر او بانگ بیدارباش ملتش باشد. بنابراین یکی از شیوه‌های شناخت جامعه‌ای که گرد تاریخ بر آن نشسته، شناخت ادبیات فرزندان هنرمند آن است زیرا که اولاً او در همان بستری رشد کرده که دیگر هم‌وطنانش و دوم آنکه او پرچمدار آگاهی بوده است. از آن‌جا که ادبیات و صاحبان قلم در هر کشور محرک فکری و توسعه می‌باشند. شناخت آثار و تفکرات این نویسندگان یکی از جنبه‌های شناخت وضعیت توسعه یا روند توسعه است. «ادبیات، ارتباط خود را گاه به صورت آشکار و گاه به صورت پنهان بیان می‌کند، حتی زمانی که نویسنده نیت پرداختن به مسائل اجتماعی را ندارد، متن به سبب شبکه‌ی پیچیده‌ی دلالت‌هایش با حیات اجتماعی ارتباط می‌یابد.» (برکت، ۱۳۸۵: ۸۲)

حال این نکته از این نظر مهم و قابل ارزیابی و بررسی بوده‌است که روشنفکران ادبی کشور ما در حوزه‌ی شعر به چه میزان به مفهوم توسعه و انواع آن در آثارشان و در ارائه به مخاطبان‌شان توجه و تأکید داشته‌اند.

۲- بحث و بررسی

توسعه

توسعه (development) در معنای زیستی و اخلاقی، رشد یک موجود یا یک استعداد را می‌رساند. (بیرو، ۱۳۷۵ : ۸۹) اما در زندگی اجتماعی انسانی توسعه عبارت است از دگرگونی کیفی و ساختاری در تمام ارکان و عناصر جامعه. آن‌طور که جامعه از وضعیت موجود به وضعیت

نوین گذر می‌کند. مثلاً از مرحله‌ی کشاورزی به مرحله‌ی صنعتی و یا از مرحله وابستگی به مرحله خود اتکایی و خودکفایی گام می‌نهد. (سیف‌اللهی، ۱۳۸۶: ۳۷)

قابل ذکر است که توسعه ابعاد و انواع چندی دارد که می‌توان به توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی و... اشاره کرد و نیز توسعه را می‌توان به قسمی دیگر به درون‌زا و برون‌زا تقسیم نمود.

توسعه درون‌زا، توسعه برون‌زا

درون‌زا یا برون‌زا بودن توسعه نقل شیوه‌ی هدایت و ایجاد توسعه است. اگر توسعه متوسل به حمایت و هدایتی بیرون از جامعه باشد توسعه‌ای برون‌زا و اگر تکیه بر فرهنگ و سنت بومی باشد درون‌زا خواهد بود. با این حال برخی معتقدند که توجه به یافته‌ها و دانسته‌های خارج از مرز و بوم نوع مطرود توسعه (یعنی توسعه برون‌زا را که انگ استعمار به دنبال دارد) الزاماً به همراه نخواهد داشت بلکه با توجه به یافته‌ها و دانش خارج از مرز و بوم و بومی‌سازی آن، آن‌را وسیله‌ای جهت بهره‌برداری بهتر از آنچه داریم بر مبنای فرهنگ و سنت خود قرار می‌دهیم.

آنچه می‌تواند روشنفکر را از غرب زده (یا شرق زده) منفک کند توجه و تاکید بر توسعه‌ی درون‌زا از نوع اخیر است زیرا باز توجه صرف به داشته‌ها و طرد هرگونه یافته و دانش غیرخودی نیز نشان تبحر است.

توسعه فرهنگی

«منظور از توسعه فرهنگی (cultural development) نوعی دگرگونی است که از طریق تراکم عناصر فرهنگی (تمدن) در یک جامعه معین صورت می‌گیرد و بر اثر آن جامعه همواره کنترل موثرتری بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند. در این تراکم برگشت‌ناپذیر، معارف، فنون و تکنولوژی به عناصری که از پیش وجود داشته و منشأ اینها بوده است افزوده می‌شود.» (شایان مهر، ۱۳۷۹: ۱۹۵)

از آنجایی که توسعه فرهنگی جنبه‌ای روان‌شناختی دارد، بر فکر، آراء و اندیشه افراد و سپس بر گروه‌ها و در نهایت بر ملت تأثیر می‌گذارد و در واقع نوعی آمادگی برای پذیرش یا طرد نوآوری و یافته‌های جدید ایجاد می‌کند که می‌تواند تسریع بخش توسعه و یا مانع آن باشد.

توسعه اجتماعی

«توسعه اجتماعی (social development) از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه‌ی زندگی افراد پیوند دارد و ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی و ایجاد شرایط مطلوب در زمینه‌ی تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش، فقرزدایی، گذران اوقات فراغت و... است. توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده هستند. و هر دو نوع الزاماً به ایجاد تفکیک و تمایز فزاینده در جامعه منجر می‌شوند.» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۴۷)

«توسعه اجتماعی اصولاً در رابطه با نیازهای اجتماعی حیاتی است، یعنی مهیا ساختن تمام فرصت‌های زندگی که برای تحقق پتانسیل انسانی تا بیش‌ترین حد ممکن ضروری است. توسعه اجتماعی به این آرمان پایبند است که هر فردی فی نفسه ارزشمند است و فرد دغدغه اصلی جامعه است. احترام به شخص و انسانیت عام در قلب فلسفه توسعه اجتماعی قرار دارد.» (واسپیست، ۱۳۸۷: ۱۹۸)

به‌طور خلاصه می‌توان توسعه اجتماعی را وجه عینی شده‌ی توسعه فرهنگی که بیش‌تر ذهنی است، دانست و آن دو را فراشد یک رخداد در نظر گرفت.

نوسازی اجتماعی

نوسازی اجتماعی (social modernization) «فرایندی است که در سطحی فراتر از فرد مطرح می‌باشد و طی آن تنگناها و محدودیت‌های جامعه‌ی سنتی از میان برداشته می‌شود و در جامعه شاهد رشد و توسعه شاخص‌هایی چون میزان شهرنشینی، باسوادی، گسترش رسانه‌های گروهی، صنعتی شدن، عقلایی ساختن سازمان‌های اجتماعی، عام شدن رفتارها، اکتسابی شدن موقعیت‌ها، مشارکت اجتماعی و سایر موارد هستیم.» (از کیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۵۸)

نوسازی اجتماعی هم‌چون توسعه اجتماعی برآیند تأثیر توسعه فرهنگی است و حالت گذر از عقب‌ماندگی به توسعه یافتگی را نمایان می‌سازد. نوسازی اجتماعی بیش‌تر امری خنثی است و شاید بتوان تفاوت آن را با توسعه در این نکته دانست که نوسازی نمود اموراتی است که در همه کشورهای توسعه یافته دیده می‌شود و حتی ممکن است در سایر کشورهای حتی توسعه نیافته نیز وجود داشته باشد (مانند نهاد دانشگاه) اما جهت تأثیر ندارد و با این جهت نامشخص است اما در توسعه اجتماعی جهت تأثیر مثبت بوده و آنچه نوسازی شده ابتدا درونی گشته و جامعه را پیش می‌برد.

متغیرهای الگویی

پارسونز (T.Parsons) برای تفکیک جامعه‌ی سنتی که فاقد توسعه اجتماعی است از جامعه مدرن که توسعه اجتماعی یافته است پنج ملاک در نظر گرفته است:

۱. کنش عاطفی در برابر کنش غیرعاطفی

۲. جهت‌گیری جمع‌گرا در برابر جهت‌گیری خویش‌نوا

۳. عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی

۴. انتسابی در برابر اکتسابی

۵. اشاعه در برابر تفکیک (روشه، ۱۳۷۶: ۷۰)

که در جوامع سنتی ملاک ارزیابی و سنجش برخلاف جامعه توسعه یافته بر اساس کنش عاطفی، جمع‌گرایی، عام‌گرایی، انتسابی و اشاعه می‌باشد که پایبندی خاصی نسبت به این قبیله امور در آن دیده می‌شود. متغیرهای فوق که تبیین‌کننده سطح توسعه اجتماعی می‌باشند در سطح فردی

ویژگی‌هایی فرهنگی هستند که می‌توانند بر گروه‌ها تاثیر گذاشته و به سطح ملت سرایت نماید.

رابطه‌ی ادبیات با اجتماع

از دیدگاه جامعه‌شناسی «فرهنگ را می‌توان به مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضای یک جامعه معین تعریف کرد.» (کوئن، ۱۳۷۶: ۵۹) ویژگی اکتسابی بودن حائز اهمیت و توجه است. از این رو ادبیات هر کشوری توسط اهل آن کسب شده و گاه بخش جدایی‌ناپذیری از اعتقادات ایشان نیز می‌شود چنان‌که در کشورمان بسیاری از جنبه‌های اعتقادی را با اشعار مولوی و حافظ باز فهم کرده‌ایم.

همان‌طور که می‌توان دریافت وجه ارتباطی ادبیات و اجتماع از کانال فرهنگ صورت می‌پذیرد به این صورت که نوع اجتماع در تمامی ابعاد خود یعنی سیاسی، اقتصادی، و... حتی ویژگی‌های طبیعی و محیط زندگی اجتماعی بستر فرهنگی‌ای به‌وجود می‌آورد که در آن بستر، شکلی از ادبیات در حالتی روایی و شفاهی (نقالی) که بعدها به شیوه‌ای مکتوب (در قالب دیوان شاعران و داستان) تکامل یافت، به وجود می‌آید.

مسائل اجتماعی در آثار ادبی زبان فارسی

«به‌طور قطع بسیاری از آثار ادبی فارسی حاصل تجربیات اجتماعی پدیدآورندگان آن‌هاست. آثاری که تاروپود آن‌ها از واقعیت‌ها و آمال و آرزوهایی بافته‌شده که از زندگی اجتماعی عصر مایه گرفته‌است و زوایای پنهان و ناآشنای جنبه‌های متعدد فرهنگ ایرانی از لابه‌لای این آثار آشکار می‌گردد. به همین دلیل آثار ادب فارسی، گذشته از محاسن بلاغی و هنری، ساختار تفکر رایج و نظام اجتماعی و سیاسی هر عصر و جهان بینی حاکم بر آن است و همچنین تضادهای اجتماعی و طبقاتی و روابط و مناسبات خویشاوندی و قومی و اعتقادات مردم را روشن می‌سازد. در حقیقت ادبیات از این جهات بخشی از حافظه جمعی و پیوندهای قومی ایرانیان شمرده می‌شود. ادبیات فارسی مبین رشته‌ی پیوند اقوام متعدد و یکی از بزرگترین عناصر تشکیل دهنده‌ی ملیت ایران است.» (تنکابنی، ۱۳۸۲: ۶)

حال ادبیات که وظیفه‌اش را حمل معانی و ضرورت‌های جامعه می‌داند، لابد مسئله و دغدغه‌ای دارد. حال این مسئله چه می‌تواند باشد. طبیعی است که هر دوره‌ای مسائل و دغدغه‌های خود را دارد و هر نویسنده برحسب طبع و ظرف و درک خود موردی را مسئله دانسته و به آن می‌پردازد. «مسئله اجتماعی به شرایطی اطلاق می‌شود که غلط، مشکل‌زا، شایع و قابل تغییر باشد.» (لوزیک، ۱۳۸۸: ۲۵) مسئله‌ی اجتماعی مورد توجه در این نوشتار مبحث توسعه و توجه ادبیات کشور در فاصله‌ی یک قرن ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰ شمسی به آن بوده‌است.

ادبیات و جامعه‌شناسی

برای جامعه‌شناسی تعاریف مختلفی وجود دارد و بر حسب آن که از کدام منظر و پارادایم فکری به آن نگریسته شده این تعاریف به لحاظ شکل متفاوت شده‌اند اما همگی آن‌ها در ویژگی‌های اساسی این علم مشترکند. به طور عام می‌توان جامعه‌شناسی را «مطالعه علمی زندگی گروهی انسان‌ها و

نتایج و آثار رفتارهای اجتماعی دانست.» (کوئن ۱۳۷۶: ۳۲)

در واقع در جامعه‌شناسی نه تنها خود جامعه و گروه از هر نوعی مورد توجه است بلکه آثاری که گروه‌های اجتماعی از خود بر جای می‌گذارند نیز قابل مطالعه است و این ارتباط البته دو سویه است شرایط اجتماعی و سیاسی و... آثار ادبی را خلق می‌کند و آثار ادبی با تاثیر بر مخاطبان جامعه را هدایت می‌کند.

ادبیات معاصر و محدوده‌ی آن

ژان پل سارتر نویسنده و متفکر معاصر فرانسه می‌گوید: «غرض از ادبیات تلاش و مبارزه است، تلاش و مبارزه برای نیل به آگاهی برای جستجوی حقیقت و وصول به حقیقت، برای آزادی انسان.» (سارتر، ۱۳۶۳: ۳۵)

امروزه ادبیات با مفاهیم و معانی مربوط به واژه ادب فاصله گرفته و منظور از آن شناخت نظم و نثر و فنون مربوط به آن‌ها از قبیل دستور زبان، معانی و بیان، عروض قافیه، صنایع بدیعی و... است. واژه‌ی معاصر از ریشه عصر به معنی عهد، زمان، زمانه، گرفته شده است. پس معاصر، به معنی هم زمان، هم عصر و هم عهد معرفی می‌شود و اصطلاحاً به زمان حاضر یا زمان حال اطلاق می‌گردد. پس منظور از ادبیات معاصر ادبیات زمان حاضر است، حال سؤال اینجاست که زمان حاضر یا معاصر از چه موقعی شروع می‌شود و چه زمانی را باید مبدأ بحث در چگونگی نظم و نثر و احوال شاعران و نویسندگان معاصر قرار داد و ملاک تشخیص این تاریخ چگونه است؟

جواب این سؤال به روشنی مشخص نشده است زیرا هر کشور با توجه به شرایط مختلف تاریخی که مربوط به یک واقعه سیاسی، اجتماعی و ادبی بوده و به زمان حاضر نزدیک باشد و مشروط به اینکه تغییر و تحولی مهم در ادبیات را موجب شده باشد آغاز تاریخ معاصر خود قرار می‌دهند زیرا شعرا و نویسندگان خواسته یا ناخواسته تحت تاثیر این وقایع قرار می‌گیرند. در بحث از ادبیات معاصر ایران، بنا به دلایل مختلف می‌باید نهضت مشروطیت را مبدأ قرار داد. اهم این دلایل عبارتند از:

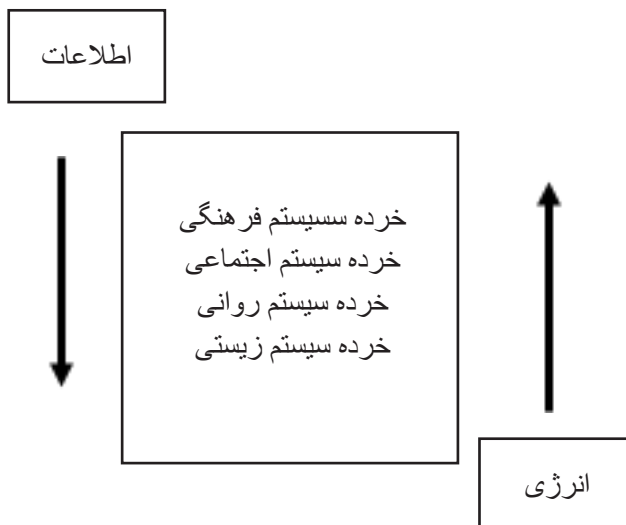
۱. از آغاز پیدایش افکار مشروطه خواهی نظم و نثر دچار تحول گردید و مفاهیم و مضامین جدیدی در جهت افکار آزادی خواهی و مردم سالاری در نظم و نثر راه یافت.
۲. افکار آزادی خواهی و نهضت مشروطه طلبی باب ادبیات سیاسی را در ایران گشود و رشته جدیدی به نام ادبیات «سیاسی» بر رشته‌های سنتی مانند ادبیات حماسی، ادبیات بزمی و... اضافه کرد.
۳. افکار مشروطه خواهی و آغاز نهضت مشروطیت به انتشار روزنامه‌های مردمی و پیدایش رشته جدیدی به نام روزنامه نگاری کمک کرد و نویسندگان صاحب نامی را در مکتب روزنامه نگاری تربیت نمود. نخستین روزنامه‌هایی که در ایران انتشار یافتند دولتی بودند و تأسیس این‌ها بر حسب فرمان ناصرالدین شاه انجام گرفت. این روزنامه‌ها معمولاً به درج اخبار و حوادث، آن‌ها به صورت گزیده، قناعت می‌کردند. با تأسیس آن‌ها راه برای انتشار روزنامه‌های مردمی هموار شد و چندین روزنامه در داخل و خارج منتشر گردید. روزنامه‌های مزبور را باید از عوامل مؤثر در برپایی نهضت مشروطیت دانست.

۴. ترجمه کتاب‌ها و مقالات و آثار مختلف از زبان‌های اروپایی به فارسی که غالباً توسط محصلین اعزامی به خارج انجام می‌گرفت و با اشاعه‌ی افکار مشروطه‌خواهی و نهضت مشروطیت همزمان بود. تحولی در نظم و نثر فارسی به‌وجود آورد.

چارچوب نظری

در پژوهش حاضر از میان همه مبانی مرتبط که می‌توانستند چارچوب این نوشتار باشند، کارکردگرایی در نوع پارسونزی آن به عنوان چارچوب نظری برگزیده شد. در دیدگاه کارکردگرایی و بخصوص تئوری پارسونز هیچ چیزی در جامعه بی‌جهت نیست و وجودش ضرورتی دارد.

پارسونز معتقد است چون نگرش‌ها (مثل اندیشه‌های نویسندگان)، اجتماعی‌اند و در عمل شرایط ساخت‌کنش را شکل می‌دهند، بسیار متنوع بوده و کافی است آنها را به چند نوع اساسی که الگوهای تحلیلی را تشکیل می‌دهند تبدیل کنیم. پارسونز با استفاده از مفهوم کنش اجتماعی سلسله‌مراتبی را پیشنهاد می‌کند بدین معنا که خرده سیستم‌ها بر حسب غنای اطلاعاتی و فقر انرژی یافته‌اند.



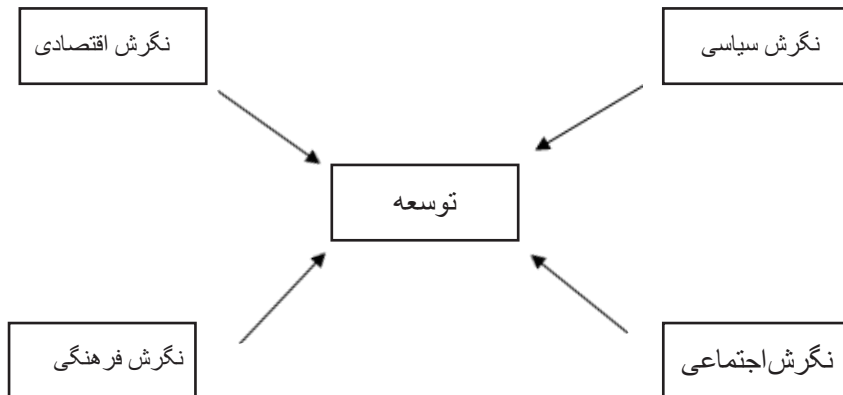
سیستم فرهنگی در راس قرار دارد چون اساساً از عناصر نمادین مثل شناخت و ارزش‌ها تشکیل شده است و بر عکس سیستم بیولوژی در پایان قرار دارد. هرچند پارسونز در این سلسله مراتب از ارزش‌ها سخنی به میان نمی‌آورد. ولی با استفاده از نوع سلسله مراتب و نهادهایی که او در این سلسله مراتب مطرح می‌کند می‌توان به نوعی ربط ارزشی پرداخت و آن را نوعی سلسله مراتب ارزشی به حساب آورد. بر اساس این سلسله مراتب، ارزش‌های اخلاقی و معنوی در راس قرار می‌گیرند. زیرا ضامن حفظ نظم و تعادل و حفظ فرهنگ هستند. در رده‌بندی ارزش‌های حقوقی و هنجارهای اجتماعی دارای اهمیت هستند و سپس ارزش سیاسی که سبب نظم بخشیدن به جامعه و ضامن انجام و رعایت هنجارهای جامعه‌اند و در پایین ترین رده نهادهای اقتصادی و به عبارتی ارزش‌های اقتصادی قرار دارند که ضامن ادامه حیات و توالی زیستی جامعه‌اند. مدل‌واره‌ی زیر سطوح انتزاعی و فرعی کارکردی جامعه را نشان می‌دهد:

سیاست	اقتصاد
اجتماع جامعی	نهادهای جامعه‌پذیری

به این ترتیب نگرش‌های چهارگانه نویسندگان، منجر به منش‌های خاصی در مخاطبین خواهد شد که در سطح جامعه خود در مدل فرعی به شکل زیر می‌تواند ارائه شود:

منش‌های سیاسی	منش‌های اقتصادی
منش‌های اجتماعی	منش‌های فرهنگی

گسترده‌ی ابعاد هریک از بخش‌های مدل بر کسی پوشیده نیست و سنجش نگرش‌ها در همه‌ی ابعاد خود کاری دشوار و چه بسا ناممکن است. لذا جهت سنجش آن، ابعاد مشخصی از آن مدّ نظر قرار گرفته است و از ترکیب و ادغام و گزینش عوامل گوناگون مدل فرضی زیر استنتاج شده است:



روش‌شناسی پژوهش

این مقاله که بخشی از یک پژوهش گسترده در ادبیات صد سال اخیر به روش کیفی است با توجه به محدودیت‌های مرتبط با این مقاله به شکل زیر مورد ارزیابی و تلخیص قرار گرفته است.

شاخص‌های توسعه

شاخص توجه به توسعه در نگرش شاعران در ابعاد چهارگانه چارچوب نظری برحسب مطالعه متون مشخص شد که شامل موارد ذیل بوده است:

هم‌دلی، آرزومندی، اعتماد متقابل در روابط، گذشته‌نگری، فقدان امنیت، کنترل بر محیط و شرایط، تدبیرگرایی، وقت‌شناسی، اعتقاد به پیشرفت، توجه به ارزش فرد، استفاده از اوقات فراغت، مشارکت اجتماعی، برخورد غیر عاطفی، عدم اعتماد شخصی، آمادگی برای پذیرش تجربیات جدید، توجه به آموزش، تحرک اجتماعی، امنیت، نوآوری، علم‌گرایی، اکتسابی بودن مقام و منزلت، استفاده از برنامه ریزی دراز مدت در توسعه، توجه به انجمن‌ها، آموزش زنان، کمرنگ شدن روابط خانوادگی، نقد اجتماعی

نمونه‌ی تحقیق

پس از تعیین جامعه‌ی تحقیق که شامل شانزده شاعر بوده‌است، با در نظر گرفتن سه معیار سطح مهارت ادبی، مردمی بودن و اقبال عمومی به آثار و نیز نگرش و توجه شاعر و نویسنده به شاخص‌های توسعه، پنج شاعر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

نمونه حاصل گردآوری اطلاعات فقط درباره‌ی تعدادی از اعضای جمعیت است. نمونه می‌تواند با درجانی از دقت بازتاب جمعیتی باشد که از آن برگرفته شده‌است.

در این انتخاب برای جلوگیری از خطای ناشی از سوگیری محقق و پرسشگر و حفظ بی‌طرفی ارزشی پژوهش، نظر داوران، ملاک ارزیابی تعیین گردید. به این لحاظ متخصصین عبارت بودند

از ۲۴ نفر از اعضای هیات علمی و مدرسین دانشگاه که دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکترا بوده‌اند.

چگونگی انتخاب نمونه تحقیق

برای انتخاب شاعران اسامی شاعران مطرح در دوره زمانی ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰ هجری شمسی به اعضای هیات علمی و مدرسین تحویل داده شد و آن‌ها نظر خود را در بازه‌ی نمره‌ی ۴ تا ۱۰ به شاعر مورد نظر ابراز نمودند.

پس از نمره‌گذاری توسط پرسش‌شوندگان، نمره‌ی هر شاعر با جمع نمرات در سه شاخه‌ی مورد نظر و محاسبه‌ی میانگین آن و مقایسه‌ی آن با سایر شاعران، بر حسب نمرات به دست آمده نیما یوشیج، محمدتقی بهار، احمد شاملو، سهراب سپهری و فروغ فرخزاد به عنوان نمونه انتخاب شدند. با بررسی دواوین و کتب منتشره شاعران و استخراج و مقوله‌بندی آن در قالب تکنیک تحلیل محتوا بر اساس رویکرد کارکردگرایی پارسونز به توسعه اقبال شاعران به شاخص‌های توسعه‌بدین صورت به دست آمده‌است:

الف) نگرش نیما یوشیج به توسعه:

طبق مقایسه به عمل آمده از مفاهیم مورد استفاده نیما یوشیج در قالب چارچوب تئوریک پارسونزی در جدول شماره ۱ او از ۲۴ مقوله در قالب انواع توسعه استفاده کرده است که بیش‌ترین توجه نیما به توسعه در بخش توسعه فرهنگی با ۴۵/۸۳ درصد و کم‌ترین میزان استفاده از مفاهیم مرتبط با توسعه مربوط به توسعه سیاسی با ۱۲/۵۱ درصد بوده است.

ردیف	نظام	تعداد مقولات استفاده شده	درصد مقولات استفاده شده
۱	اقتصادی	۵	۲۰,۸۳٪
۲	سیاسی	۳	۱۲,۵۱٪
۳	اجتماعی	۵	۲۰,۸۳٪
۴	فرهنگی	۱۱	۴۵,۸۳٪
جمع	مجموع ۴ نظام	۲۴	۱۰۰٪

جدول شماره ۱. تعداد مفاهیم مورد استفاده نیما یوشیج در هر نظام

جدول زیر تجميع یافته‌ها در ارتباط با تعداد دفعات استفاده از مقولات (تكرار مقولات) است.

ردیف	نظام	تعداد دفعات استعمال مقولات	درصد دفعات استعمال از مقولات
۱	اقتصادی	۴۱	۱۱,۹۵٪
۲	سیاسی	۶۸	۱۹,۸۳٪
۳	اجتماعی	۱۰۰	۲۹,۱۵٪
۴	فرهنگی	۱۳۴	۳۹,۰۷٪
جمع	مجموع ۴ نظام	۳۴۳	۱۰۰٪

جدول شماره ۲. تجميع دفعات استفاده از مفاهيم

در دفعات استفاده از مقولات مورد توجه او به حیطه توسعه فرهنگی با ۳۹/۰۷ درصد بیش‌تر از سایر انواع توسعه بوده و مفاهيم مرتبط با توسعه اقتصادی با ۱۱/۹۵ درصد کم‌ترین بار تکرار شده است. او در مجموع ۴ نظام پارسونزی ۳۴۳ بار به مفاهيم مرتبط با توسعه اشاره کرده است.

ب) نگرش ملک الشعرای بهار به توسعه:

با مقایسه به عمل آمده از مفاهيم مورد استفاده بهار در قالب چارچوب تئوریکي پارسونزی در جدول شماره ۱۱ بیش‌ترین توجه بهار به توسعه در بخش توسعه فرهنگی با ۳۲/۶۵ درصد و سپس نظام اجتماعی با ۳۰/۶۱ درصد، می‌باشد. کم‌ترین میزان استفاده از مفاهيم مرتبط با توسعه مربوط به توسعه اقتصادی و سیاسی با ۱۸/۳۷ درصد بوده است. در مجموع بهار از ۴۹ اصطلاح مرتبط با انواع توسعه در اشعارش بهره گرفته است.

ردیف	نظام	تعداد مقولات استفاده شده	درصد مقولات استفاده شده
۱	اقتصادی	۹	۱۸,۳۷٪
۲	سیاسی	۹	۱۸,۳۷٪
۳	اجتماعی	۱۵	۳۰,۶۱٪
۴	فرهنگی	۱۶	۳۲,۶۵٪
جمع	مجموع ۴ نظام	۴۹	۱۰۰٪

جدول شماره ۳. تجميع تعداد مفاهيم مورد استفاده بهار

جدول زیر ارزیابی دیوان بهار به لحاظ میزان تکرار مقولات توسعه‌ای در آن است.

ردیف	نظام	تعداد دفعات استعمال مقولات	درصد دفعات استعمال از مقولات
۱	اقتصادی	۱۱۱۸	۱۲,۵۶٪
۲	سیاسی	۹۶۸	۱۰,۸۸٪
۳	اجتماعی	۳۹۱۲	۴۳,۹۸٪
۴	فرهنگی	۲۸۹۸	۳۲,۵۸٪
جمع	مجموع ۴ نظام	۸۸۹۶	۱۰۰٪

جدول شماره ۴. تجمیع دفعات استفاده از مفاهیم

اما در دفعات استفاده از مقولات مورد توجه او به حیطه توسعه اجتماعی با ۴۳/۹۸ درصد بیش‌تر از سایر انواع توسعه بوده و سپس توسعه فرهنگی با ۳۲/۵۸ درصد قرار دارد و با فاصله‌ای چشمگیر مفاهیم مرتبط با توسعه اقتصادی و سیاسی (به ترتیب ۱۲/۵۶ درصد و ۱۰/۸۸ درصد) تکرار شده است. تکرار و دفعات استفاده او از مفاهیم مرتبط با توسعه بسیار قابل توجه است. ۸۸۹۶ بار استفاده از مقولات توسعه‌ای در دیوان او، جای تعمق دارد.

(پ) نگرش احمد شاملو به توسعه:

طبق مقایسه به عمل آمده از مفاهیم مورد استفاده شاملو در قالب چارچوب کارکردگرایی در جدول شماره ۵ بیش‌ترین توجه شاملو به توسعه در بخش توسعه فرهنگی با ۴۱/۶۷ درصد و کم‌ترین میزان استفاده از مفاهیم مرتبط با توسعه مربوط به توسعه سیاسی با ۱۲/۵۰ درصد از مفاهیم بوده است. او در مجموع ۲۴ مقوله توسعه را در اشعارش به کار گرفته است.

ردیف	نظام	تعداد مقولات استفاده شده	درصد مقولات استفاده شده
۱	اقتصادی	۴	۱۶,۶۷٪
۲	سیاسی	۳	۱۲,۵۰٪
۳	اجتماعی	۷	۲۹,۱۶٪
۴	فرهنگی	۱۰	۴۱,۶۷٪
جمع	مجموع ۴ نظام	۲۴	۱۰۰٪

جدول شماره ۵. تجمیع تعداد مفاهیم مورد استفاده شاملو

جدول زیر تجمیع یافته‌ها در ارتباط با تعداد دفعات استفاده از مقولات (تکرار مقولات) است.

ردیف	نظام	تعداد دفعات استعمال مقولات	درصد دفعات استعمال از مقولات
۱	اقتصادی	۳۲	۷,۲۰٪
۲	سیاسی	۸۹	۲۰,۰۴٪
۳	اجتماعی	۱۴۵	۳۲,۶۶٪
۴	فرهنگی	۱۷۸	۴۰,۱۰٪
جمع	مجموع ۴ نظام	۴۴۴	۱۰۰٪

جدول شماره ۶. تجمیع دفعات استفاده از مفاهیم

در مجموع مفاهیم مرتبط با توسعه ۴۴۴ بار در آثار او تکرار گردیده است که در دفعات استفاده از مقولات مورد توجه او نیز حیطه توسعه فرهنگی با ۴۰/۱۰ درصد بیش‌تر از سایر انواع توسعه بوده و توسعه اقتصادی با ۷/۲۰ درصد کم‌ترین تکرار را داشته است.

ت) نگرش سهراب سپهری به توسعه:

طبق مقایسه به عمل آمده از مفاهیم مورد استفاده سپهری در قالب چارچوب تئوریک پارسونزی در جدول شماره ۲۳ از بین ۲۹ مقوله مرتبط با توسعه مورد استفاده او در اشعارش بیش‌ترین توجه سپهری به توسعه در بخش توسعه فرهنگی با ۳۷/۹۳ درصد و کم‌ترین میزان استفاده از مفاهیم مرتبط با توسعه مربوط به توسعه اقتصادی و سیاسی با ۱۷/۲۴ درصد بوده است.

ردیف	نظام	تعداد مقولات استفاده شده	درصد مقولات استفاده شده
۱	اقتصادی	۵	۱۷,۲۴٪
۲	سیاسی	۵	۱۷,۲۴٪
۳	اجتماعی	۸	۲۷,۵۹٪
۴	فرهنگی	۱۱	۳۷,۹۳٪
جمع	مجموع ۴ نظام	۲۹	۱۰۰٪

جدول شماره ۷. تجمیع تعداد مفاهیم مورد استفاده سپهری

سهراب سپهری ۲۴۶ بار از مضامین مرتبط با توسعه در دیوانش بهره جسته است که در دفعات استفاده از مقولات مورد توجه‌اش، توسعه اجتماعی با ۳۷/۸۰ درصد بیش‌تر از سایر انواع توسعه بوده و سپس توسعه فرهنگی با ۲۹/۶۷ درصد قرار دارد و با فاصله‌ای چشمگیر مفاهیم مرتبط با توسعه اقتصادی ۴/۸۸ درصد تکرار شده است.

ردیف	نظام	تعداد دفعات استعمال مقولات	درصد دفعات استعمال از مقولات
۱	اقتصادی	۱۲	۴,۸۸٪
۲	سیاسی	۶۸	۲۷,۶۵٪
۳	اجتماعی	۹۳	۳۷,۸۰٪
۴	فرهنگی	۷۳	۲۹,۶۷٪
جمع	مجموع ۴ نظام	۲۴۶	۱۰۰٪

جدول شماره ۸. تجمیع دفعات استفاده از مفاهیم

(ث) نگرش فرخزاد به توسعه:

طبق مقایسه به عمل آمده از ۲۵ مفهوم مورد استفاده فرخزاد در قالب چارچوب تئوریک پارسونزی در جدول شماره ۹ بیش‌ترین توجه به توسعه در بخش توسعه فرهنگی با ۴۸ درصد و کم‌ترین میزان استفاده از مفاهیم مرتبط با توسعه مربوط به توسعه اقتصادی و سیاسی با ۱۶ درصد بوده است.

ردیف	نظام	تعداد مقولات استفاده شده	درصد مقولات استفاده شده
۱	اقتصادی	۴	۱۶٪
۲	سیاسی	۴	۱۶٪
۳	اجتماعی	۵	۲۰٪
۴	فرهنگی	۱۲	۴۸٪
جمع	مجموع ۴ نظام	۲۵	۱۰۰٪

جدول شماره ۹. تجمیع تعداد مفاهیم مورد استفاده فرخزاد

فرخزاد ۲۳۱ بار از مقولات مرتبط با توسعه در اشعارش استفاده نموده است. در دفعات استفاده از مقولات، حیطه توسعه فرهنگی با ۵۲/۳۸ درصد بیش‌تر از سایر انواع توسعه بوده و با فاصله‌ای چشم‌گیر مفاهیم مرتبط با توسعه سیاسی با ۹/۹۵ درصد تکرار آمده است. جدول شماره ۱۰ بطور دقیق بیانگر این ارزیابی است.

ردیف	نظام	تعداد دفعات استعمال مقولات	درصد دفعات استعمال از مقولات
۱	اقتصادی	۲۳	۹,۹۵٪
۲	سیاسی	۴۸	۲۰,۷۸٪
۳	اجتماعی	۳۹	۱۶,۸۹٪
۴	فرهنگی	۱۲۱	۵۲,۳۸٪
جمع	مجموع ۴ نظام	۲۳۱	۱۰۰٪

جدول شماره ۱۰. تجميع دفعات استفاده از مفاهيم

توجه به توسعه در نظام‌های چهارگانه:

توجه شاعران مورد بررسی را به مفهوم توسعه را در دو بعد کلی می‌توان بررسی نمود:

الف: - توجه به انواع توسعه ب- دفعات استفاده از مقولات مرتبط با توسعه.

طبق یافته‌های پژوهش بیش‌ترین مقولات مطرح شده نزد همه شعرا مربوط به عناصر مرتبط با توسعه فرهنگی بوده است (۴۱/۲۲ درصد) و بعد از آن بیش‌ترین اهمیت را عناصر مرتبط با توسعه اجتماعی داشته است. در نظر این شاعران توسعه اقتصادی و سیاسی اهمیت کمتری داشته به گونه‌ای که نزد بهار، سپهری و فرخزاد این میزان در دو نوع توسعه برابر بوده و در نزد نیما و شاملو ارجاع به مقولات اقتصادی بیش‌تر و توجه به مقولات توسعه سیاسی در مرتبه آخر قرار داشته است. جدول شماره ۱۱ به‌طور مختصر گویای وضعیت مذکور است.

نظام، شاعر	نیما یوشیج	محمدتقی بهار	احمد شاملو	سهراب سپهری	فروغ فرخزاد	میلانگین
اقتصادی	۲۰,۸۳٪	۱۸,۳۷٪	۱۶,۶۷٪	۱۷,۲۴٪	۱۶٪	۱۷,۸۲٪
سیاسی	۱۲,۵۱٪	۱۸,۳۷٪	۱۲,۵۰٪	۱۷,۲۴٪	۱۶٪	۱۵,۳۲٪
اجتماعی	۲۰,۸۳٪	۳۰,۶۱٪	۲۹,۱۶٪	۲۷,۵۹٪	۲۰٪	۲۵,۶۴٪
فرهنگی	۴۵,۸۳٪	۳۲,۶۵٪	۴۱,۶۷٪	۳۷,۹۳٪	۴۸٪	۴۱,۲۲٪
جمع	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪

جدول شماره ۱۱. درصد تعداد مفاهيم مورد استفاده در مجموع

طبق بررسی به عمل آمده تکرار مفاهیم مرتبط با توسعه فرهنگی و اجتماعی بیش از تکرار مقولات مرتبط با توسعه اقتصادی و سیاسی بوده است. در این ارتباط فرخزاد بیش‌ترین درصد تکرار خود را نسبت به سایرین به نظام فرهنگی معطوف داشته (۵۲/۳۸ درصد) و بهار در زمینه اجتماعی و اقتصادی رتبه بالاتری را داشته است و در بخش نظام سیاسی سپهری بالنسبه رتبه بالاتری را دارد

جدول شماره ۱۲ بطور کامل موید این نکته است.

نظام، شاعر	نیما یوشیج	محمدتقی بهار	احمد شاملو	سهراب سپهری	فروغ فرخزاد	میانگین
اقتصادی	٪۱۱،۹۵	٪۱۲،۵۶	٪۷،۲۰	٪۴،۸۸	٪۹،۹۵	٪۹،۳۱
سیاسی	٪۱۹،۸۳	٪۱۰،۸۸	٪۲۰،۰۴	٪۲۷،۶۵	٪۲۰،۷۸	٪۱۹،۸۳
اجتماعی	٪۲۹،۱۵	٪۴۳،۹۸	٪۳۲،۶۶	٪۳۷،۸۰	٪۱۶،۸۹	٪۳۲،۱۰
فرهنگی	٪۳۹،۰۷	٪۳۲،۵۸	٪۴۰،۱۰	٪۲۹،۶۷	٪۵۲،۳۸	٪۳۸،۷۶
جمع	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

جدول شماره ۱۲. درصد دفعات تکرار مفاهیم مرتبط با توسعه نزد شعرا

۳- نتیجه‌گیری

توسعه اجتماعی تغییر مثبت در ابعاد کلی زندگی اجتماعی است که اگر مبتنی بر نیازمندی‌ها و الزامات درونی یک نظام باشد می‌تواند زندگی را بهبود بخشد. از این رو و برای دستیابی به وضعیت ایده‌آلی از تشخیص نیازها به نظر می‌رسد روشن‌فکران جامعه نقشی برجسته می‌باید ایفا کنند. ادبیات که خود آیین‌های وضعیت اجتماعی و سیاسی تاریخ یک ملت است، اگر کنکاش شود علل یا عواملی را باز نمود می‌کند که تا حد بسیاری واگویی‌های از رخدادها است.

جستجو در علل و عوامل موثر بر وضعیت توسعه در ایران سال‌های ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰ خورشیدی صرفاً در عوامل اقتصادی و سیاسی ریشه ندارد بلکه به نظر می‌رسد بیش از آنکه سیستم کلان اجتماعی و سیاسی بتواند جهت بخش فعالیت‌های رخ داده در این عرصه باشد، بخش فرهنگ بالاخص فرهنگ عمومی جامعه از جمله ادبیات موثر در تنویر افکار و جهت دهی به آن بوده‌اند.

نیما یوشیج، محمدتقی بهار، احمد شاملو، سهراب سپهری و فروغ فرخزاد برحسب نظر متخصصین ادبیات از شاعرانی هستند که قلم اجتماعی دارند. در جامعه زیسته‌اند و نیز برای همان جامعه نوشته‌اند. گواه این ادله اشعارمتنوع و متعدد آن‌ها در این عرصه است. با توجه به ارزیابی صورت گرفته می‌توان اذعان داشت که این شاعران تغییر در عرصه حیات اجتماعی خود را به خوبی درک کرده و در راستای آن چنان فرزند شایسته زمانه خود به استفاده از مفاهیمی نو در عرصه ادبی ایران پرداخته‌اند.

طبق یافته‌های این پژوهش می‌توان فرض کرد که این شاعران ضمن همسویی با یکدیگر به گونه‌ای با نوشته‌های خود پیشرو و همسو با جریان مدرنیته در ادبیات ایران بوده‌اند. این ارزیابی در چارچوب نظری کارکردگرایی تالکوت پارسونز با دو معیار تعداد دفعات استعمال مقولات و اصطلاحات سنتی و مدرن توسعه و انواع مقولات سنتی و مدرن از توسعه تحلیل شده است.

در تعداد دفعات استفاده از مفاهیم سنتی و مدرن از توسعه طبق یافته‌های پژوهش بیش‌ترین مقولات مطرح شده نزد همه شاعران مربوط به عناصر مرتبط با توسعه فرهنگی بوده است و بعد از آن بیش‌ترین اهمیت را عناصر مرتبط با توسعه اجتماعی داشته است.

برحسب یافته‌های پژوهش تکرار مفاهیم مرتبط با توسعه فرهنگی و اجتماعی بیش از تکرار مقولات مرتبط با توسعه اقتصادی و سیاسی بوده است. اما در این میان نمی‌توان یک روال یا قاعده را در میان آن‌ها یافت به گونه‌ای که نزد نیما، شاملو و فرخزاد تکرار مقولات مرتبط با حوزه نظام فرهنگی بالاترین توجه را برانگیخته است. بهار و سپهری به حوزه اجتماعی توجه بیشتری نشان داده‌اند. از سوی دیگر کم‌ترین تکرار مقولات را در حوزه نظام اقتصادی استفاده کرده‌اند و با قدری اختلاف بیش‌تر توجه‌شان به حوزه سیاسی بوده است مگر توجه بهار که در نزد او توجه به توسعه سیاسی مقام آخر را داشته است که شاید به جهن منصب سیاسی او بوده است.

در خاتمه می‌توان به جرات حرکت رو به تغییر در ادبیات را حرکتی آگاهانه در این عرصه دانست. این وضع غالب در آثار شاعران مورد بررسی نشان دهنده بینش و درک مسئله توسعه در ایران آن سال‌ها را به خوبی باز نمود می‌نماید.

منابع

- ۱- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۷). **جامعه‌شناسی توسعه**، چاپ هفتم، تهران: انتشارات کیهان.
- ۲- برکت، بهزاد. (۱۳۸۵). «ادبیات و نظریه نظام چندگانه و نقش اجتماعی نوشتار»، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۸.
- ۳- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۷). **دیوان ملک‌الشعراى بهار**. تهران: انتشارات نگاه.
- ۴- بیرو، آلن. (۱۳۷۵). **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان.
- ۵- تنکابنی، حمید و دیگران. (۱۳۸۲). **شناخت مفاهیم سازگار با توسعه در فرهنگ و ادب فارسی**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۶- روشه، گی. (۱۳۷۶). **تالکوت پارسونز**، ترجمه غلامحسین نیک‌گهر، تهران.
- ۷- سارتر، ژان پل. (۱۳۶۳). **ادبیات چیست؟**، ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، چاپ سوم، تهران: نشر زمان.
- ۸- سپهری، سهراب. (۱۳۷۵). **هشت کتاب**. چاپ شانزدهم، تهران: کتابخانه طهوری.
- ۹- سیف‌اللهی، سیف‌الله. (۱۳۸۶). **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی در ایران**، چاپ دوم، تهران:

انتشارات جامعه‌پژوهان سینا.

۱۰- شاملو، احمد. (۱۳۸۰). **مجموعه اشعار**، دفتر یکم، به کوشش نیاز یعقوبشاهی. تهران: انتشارات نگاه.

۱۱- شایان مهر، علیرضا. (۱۳۷۹). **دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی**، انتشارات کیهان، تهران: کتاب دوم.

۱۲- فرخزاد، فروغ. (۱۳۸۳). **دیوان فروغ فرخزاد**. چاپ دوم. تهران: انتشارات نیک فرجام.

۱۳- کوئن، بروس. (۱۳۷۶). **مبانی جامعه‌شناسی**، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ هشتم. تهران: انتشارات سمت.

۱۴- لوزیک، دانیلین. (۱۳۸۸). **نگرش نو در تحلیل مسائل اجتماعی**، ترجمه سعید معیدفر، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۵- معین، محمد. (۱۳۷۶). **فرهنگ فارسی**، جلد اول، چاپ بیست چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۶- میرصادقی، جمال و میمنت، ذوالقدر. (۱۳۷۷). **واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی؛ فرهنگ تفصیلی اصطلاح‌های ادبیات داستانی**، تهران: انتشارات کتاب مهنار.

۱۷- نیلی‌پور، رضا. (۱۳۸۳). **نوآم چامسکی و انقلاب زبان‌شناسی**، تهران: انتشارات دانژه.

۱۸- واسیست، آر. ان. (۱۳۸۷). «پرداخت مفهومی توسعه اجتماعی»، نقل از: **توسعه اجتماعی**، ترجمه محمد ارغنون، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و علوم اجتماعی.

۱۹- یوشیج. نیما. (۱۳۷۰). **مجموعه کامل دیوان اشعار نیما**، به کوشش سیروس طاهباز، تهران: انتشارات نگاه.